خدمت شد
فهرست شد
غلامحسین عرفانیان

کتابخانه … آستان قدس

اسم کتاب: زاد المسافرین — فارسی
مصنف / مؤلف: محمد مهدی شریف
خطی: نسخ ۱۵ سطری
چاپی
سال چاپ یا تحریر: — عدد اوراق: ۹۸
جزء کتب: طب شماره
شمارهٔ عمومی: ۹۶۵۴ شمارهٔ قبض
واقف: خان بابا مشار تاریخ وقف: اردیبهشت ۱۳۴۶
طول: ۱۵ عرض: ۱۰ گنجه

١

علیهم ما راجع المریض الی الطبیب وآنس الحبیب الی الحبیب وبعد چنین گوید کم کشته وادی سرگردانی ومبتلای برنج هیچ مدانی الواثق الی الله الکریم محمد مهدی ابن علی نقی الشریف عفی عنهما که چون دوست روحانی وبرادر ایمانی صاحب نسب شریف وحسب منیف مستجمع کمالات صوری و معنوی صدیق جلیل میرزا محمد اسمعیل حفظه الله العزیز الجلیل در این اوان مقرون بفتن وحدثان از وطن مالوف کرمان واکثر اوقات را مصروف لسیر در بلدان میدارد ازین داعی خواهش نمود که رساله ترتیب دهد متعلق باینچه مسافر را در حفظ صحت در سفر و تدبیر ولحتراز از حضر ضرور است واشعار بمعالجه بعضی امراض که بدون حضور ومراجعت بطبیب تشخیص ان مقدور و تدبیر و دفع ان میسور است نماید وبخصوص بعضی امراض که اکثر اوقات مزاج انسان را انحراف از اعتدال بجانب انها واقع میشود فی الجمله بسطی داده در ذکر اسباب وعلامات ومعالجات انها اهتمام نماید که بدون مراجعت بالحبا تواند تدبیر نمود لهذا با عدم استطاعت وقلت بضاعت درین صناعت وتشویش حال و توزع بال واستیلای بد هر خوان وفتن زمان که هر گز زبان وبیان

نداده بمثل ان نشان ومنه المشتکی الی الله المنان امتثال امر ایشان نموده
نشویة و ورقی چند نموده بروز خود نشانید **بیت** اگر عذرم پذیری نیست بود و
که مشهور است المأمور معذور مأمول از ناظرین انکه بعین اصلاح
ملاحظه فرموده بر غلطی که لازمهٔ طبع انسان خصوص اینجه جبلت متخیل
این نادانست مطلع شوند در اصلاح ان کوشیده بعین انصاف
پوشیده اکثر انها را از ناسازکاری روزکار و برهم خوردگی کار و بار
دانند واین رساله مشتمل است بر دو مطلب **مطلب اول** در تدبیر
مسافر و قوانین حفظ صحت ایشان و تدابیر اموری که مسافران را غالبا
اتفاق می افتد **مطلب دوم** در معالجهٔ صنفی چند از امراض که بدون
مراجعت بطبیب توان معالجه نمود **مطلب اول** در تدبیر مسافرین
و قوانین حفظ صحت ایشان و تدابیر اموری که مسافران را غالبا اتفاق
می افتد **بدانکه** مسافر باید قبل از حرکت اگر در بدن غلبهٔ خون باید
فصد کند واگر اخلاط دیگر غالب باشد مسهلی بیاشامد و بدن را
از اخلاط فاسده پاک کند بجهة انکه بسا باشد که حرکت سفر تحریک
اخلاط فاسده نماید و در طی مسافت مرضی حادث شود که محتاج

رجوع بطبیب باشد و بدست نیاید لهذا قبل از حرکت باید که بتجویز
طبیب بدن را از اخلاط فاسده تنقیه نماید دیگر باید قبل از حرکت
خود را عادت دهد با غذیه که در سفر از برای او میسر میشود و همچنین
قبل از حرکت بتدریج بزحمات سفر از بیخوابی و تعب حرکت و اگر سفر
در تابستان است بگرما و اگر در زمستان است بسرما خود را عادت دهد
تا انکه هیچیک از اینها دفعةً براو وارد نشود **اما** تدبیر غذای در سفر
باید که غذای مسافر حسب المقدور از اغذیهٔ معتاده در حضر باشد
و چربی چند که غذائیتش غالب باشد از قبیل گوشت و تخم مرغ چرا که
تحلل سفر قوتها را ضعیف میکند لهذا باید که بدل ما یتحلل حسب
الواقع رسیده باشد **اما تدبیر** اشامیدن اب باید اب هر منزلی را با خود
داشته باشد و باب منزل دیگر ممزوج نموده بنوشند که دفع ضرر
اختلاف انها باین نحو میشود و همچنین ممزوج نمودن اب با قلیلی سرکه
دافع ضرر اوست و همچنین اگر مسافر قدری خاک خالص خصوصا
از بلد خود با خود داشته باشد که در هر منزل با اب ان منزل برهم زده
بعد از انکه ته نشین شود بیاشامد رفع مضار ان ...

تدبیر اشامیدن اب

همچنین خوردن پیاز و سیر و سرکه و کاهو هر یک که باشد دفع مضرات
ابهای ناگوار میشود و رفع ضرر اب شود بمخالطه با سرکه میشود و تغییر
طعم و دفع ضررش هر دو بسکنجبین میشود و دفع ضرر و طعم اب تلخ بمخالطه
قدری شکر و اگر اب غلیظ باید بو باشد دفع ضرر ان بجوشانیدن بمخالطه
باکلها سرکه چنانچه مذکور شد میشود اما تدبیر کمی اب و دفع ضرر عطش
بدانکه هرگاه در طریق خوف کمی اب باشد باید غذائی که احداث تشنگی کند
نخورد از قبیل چیزهائی که شور و شیرین و تند باشد بلکه هر غذائی که بخورد
کمتر از اشتها بخورد و دیگر انکه اب کم مخلوط با سرکه بدل اب خالص بسیار
میتواند شد پس هرگاه اب کم باشد قلیلی از ان با سرکه مخلوط نموده بنوشند
که کفایت مینماید و باید در جائی که خوف بی ابی باشد از هر چه باعث
عطش باشد احتراز کند از عالم حرکت بسرعت و سخن بسیار گفتن خصوصا
باواز بلند و غذای حار خوردن و اما انچه رفع تشنگی میکند دوغ ترش
و شیرهٔ خرفه که در دوغ خیسانیده باشند و شیرهٔ تخم خرفه با اندکی سرکه
و در دهان داشتن الوی بخارائی یا تمر هندی یا قراقروط یا نار دان رافع
تشنگیست و همچنین در دهان داشتن بلور یا صدف یا نقرهٔ خالص و لیهار

تدبیر کمی اب

انچه رفع تشنگی میکند

برهم گذاردن که هوای خارج داخل دهان نشود نیز رافع تشنگی است و
بدانکه بعد از تشنگی مفرط همین که مسافر باب رسید دفعة بقدر سیراب شدن
ننوشد بلکه اول مضمضه کند و دست و پاها را در اب گذارد و صورت را
بشوید بعد از ان کم کم بنوشد تا انکه عطش بتدریج برطرف شود و اگر
دفعة بعد از عطش مفرط اب بسیار بنوشد خوف هلاکت است اما تدبیر
گرمای در سفر باید مسافر از گرما تمام بدن را خصوصا سر را از افتاب
بپوشاند و در دیری معده حرکت نکند و اگر لابد باشد غذای کمی ببرد
بخورد و البته ناشتا نباشد خصوصا اگر مسافر بدنش لاغر باشد
یا مزاجش حار باشد و از اب سرد سر و بدن را بشوید و از میوه‌ها و ترشیها
انچه میسر باشد بخورد و اگر یافت شود سر و سینه را بروغن بنفشه یا بادام یا
روغن تخم کدو چرب کند و قبل از حرکت از منزل اگر قدری ارد جو بوداده
با قدری نبات یا قند با اب سرد بیاشامند مناسب است یا بذر قطونا
با اب سرد یا شیرهٔ جو هر یک که باشد و بعد از نزول بمنزل از میوه‌های
بارده و غذاهای ترش یا دوغ انچه یافت شود میل نمایند و در منزل باید
جای مرتفع باشد و روی خیمه یا مسکن بطرفی باشد که باد شمال بوزد

تدبیر گرما در سفر

تدبیر احتراز از سموم

باشد و خیمها از هم دور باشد و دواب و مراکب حب المقل و در ان حوالی
نباشد و اگر در رباط فرود ایند قرار در بورتی باشد که باد شمال میوزید
باشد امّا تدبیر احتراز از سموم انست که در محلی که احتمال وزیدن سموم
باشد دهان و بینی را بدستمالی که از سیر و سرکه الوده باشند ببندد از انجا
بگذرد و حب المقل را استنشاق هوا نکند و هر ساعت مضمضه باب
سرد کند و اگر اب سرد باشد مکرر بیاشامد و سر و سینه را بروغن تخم
کدو یا بنفشه یا بادام چرب نماید و سیر و سرکه ببوید و قدری بیاشامد
و اگر قدری روغن تخم کدو بیاشامد البته دفع ضرر سموم میشود و طریق
کرفتن روغن تخم کدو و بنفشه یا بادام در صداع مذکور میشود و اگر دوغ
سرد بیاشامند نافع است و اگر قدری پیاز را در دوغ بخیسانند و قبل
از حرکت بیاشامند البته دفع ضرر سموم میشود و اگر در طی مسافت
هوای سمی را قبل از ورود استنباط نماید و علامتش تیرگی و شدت و
حرارت و بدبوئی هواست و سایر علاماتی که مسافرین در هوای سمی بتجربه
معلوم نموده اند باید اگر در برابر باشد راه را بگردانند و دهان و بینی را
بر بندند و سیر را کوبیده و بسرکه الوده در پیش بینی بدارند و اگر اب نزدیک

۱۰ لد

باشد خود را در اب بیندازد یا انکه در روی زمین برود بخوابند تا انکه هوا
بگذرد و اگر هوای مذکور بدماغ رسد و حال متغیر شود و کرب و اضطراب
قلب و غش حادث شود اگر تریاق فاروق حاضر باشد بقدر نیم مثقال یا قدری
جدوار یا فادزهر معدنی فرو برند و قدری سیر و کافور و سرکه بخورد و کافور
و صندل سفید ببوید و بر سینه و پیشانی بمالد و دوغ سرد بیاشامد و پا
سرد فرو برد و روغن تخم کدو را در بینی چکاند و پاها و دستها را باب
سرد کذارد و در مکان خنک مقام کند و غذاهای خنک و میوهای رطب

تدبیر سردی هوا و برف

و غذاهای ترش بخورد تا انکه بحال بیاید امّا تدبیر سردی هوا و برف در سفر
باید قبل از منزل غذای حارّی بقدر اشتها بخورد و بعد از انکه حرارت
غذا در بدن منتشر شد حرکت کند و بینی و دهان را بسته دارد و اگر در طی
مسافت سرما شدت کند قدری افیون فرو برد و اگر قبل از حرکت غذائی
که کرده و پیاز و سیر در ان باشد یا شیر و روغن داشته باشد بخورد دفع
ضرر سرما میشود یا انکه قبل از حرکت قدری عسل را شربت کرده یا اندک فلفل

اموری که بعد از ورود بمنزل مراعات باید نمود

بیاشامد البته دفع ضرر سرما میشود امّا بعد از فرود امدن بمنزل
دفعةً نزدیک اتش نرود بلکه اول هوای بیرونی یا خیمه که فرود امده کرم کند و

بعد از سکون شدت سرما نزدیک آتش رود وخود را بپوشاند و دست
یا را باب گرم بگذارد و در زیر جامهای بسیار خواب کند تا بحال بیاید و
در هوای سرد باید که نزول در مکانهای گود و باطها وخانها واگر در خیمه
باشد رو بجنوب و مشرق وخیمها نزدیک بهم و مراکب وچهارپایان نزدیک
بخیمها باشند امّا تدبیر حفظ چشم از ضرر سرما و برف آنست که پارچهٔ
سیاهی با خود داشته باشد که نظر باو میکرده باشد واگر نقابی که از دم اسب
سیاه می بافند که مانع دیدن نیست با خود داشته باشد و در حین طی مسافت
در برف بر روی بکشد البتّه چشم را ضرر نمیرسد و سرمهٔ سنگ بچشم کشیدن
نیز مانع ضرر برفست امّا تدبیر وجع و سوزش که باعتبار سرما در چشم
بهم رسد باید که گاه گندم را جوشانیده و سر و چشم را بخار آن بدارند که
باصلاح می آید و سر و چشم را گرم بپوشانند و حسب المقدور در دیگر
در سرما حرکت نکند تا چشم بحال آید واگر درد چشم بهم رسد معالجهٔ بجوی
که مذکور خواهد شد بکند امّا تدبیر محافظت پاها و دستها از سرما
باید که پا را قبل از سوار شدن از منزل بروغن حاری مثل روغن زیتون
یا روغن مغز گردو یا روغن بادام تلخ یا روغن دنبه گداخته چرب کند

تدبیر حفظ چشم از ضرر سرما و برف

تدبیر وجع و سوزش که باعتبار سرما در چشم بهم رسد

تدبیر محافظت پاها و دستها از سرما

و مابین انگشتان را و تمام پا را بابریشم نرمی بپیچد و جوراب نرمی در پا کند
واگر روغنهای مذکور نباشد بقطران آلوده کند و دیگر حسب المقدور
نگذارد که موزه تر شود و از جوراب و موزه آنچه تر شده باشد اگر تواند بدل
تبدیل کند و هرگاه در طی مسافت شدت سرما اثر کند قدری مسافت را
پیاده طی کند و پاها را از جوراب بیرون کرده قدری بمالند و باز براه
افتد امّا آنچه را سرما برده باشد همین که اثر بردن سرما ظاهر شد که علامتش
آنست که حس عضو کم شود و رنگش متغیر و ورم کند بزودی پوشش عضو را
تبدیل کند و در میان آب گرم گذارد و بمالد و گاه گندم را جوشانده
و عضو را در میان آن گذارد یا آنکه شلغم یا قرنبیت با پای نرم تر شده
یا برگ را پخته گرم ضماد نمایند و مکرر در پیش آتش بدارند یا آنکه قطران
بمالند واگر عضوی میل بسبزی یا سیاهی کرده باشد باید آن موضع را
تیغ بزنند و در میان آب گرم بگذارند تا خون مرده دفع شود پس گل ارمنی را
با سرکه حل نمایند و طلا کنند واگر عضو سیاه و فاسد شده باشد و
نزدیک بافتادن انگشتان باشد باید که برگ کلم و برگ اسفناج را
بروغن گاو پخته ضماد نمایند تا آنکه گوشتهای فاسد شده بیفتد و

تدبیر آنچه را سرما برده باشد

یا انکه برگ خطمی وخبازی باشیر گاو بپزند ضماد نمایند یا گل خطمی را باشیر گاو
بپزند ضماد نمایند تا گوشتهای فاسد بیفتند واگر بعد از ضمادات
گوشتهای فاسد شده بخودی خود نیفتند جراح صاحب وقوفی باید که
گوشتهای فاسد شدهٔ او را قطع نماید که مبادا سرایت نماید و فساد
ان بگوشتهای صحیح برسد و بعد از رفع گوشتهای فاسد مرهم سیاه
که صفت ان اینست استعمال نمایند مرداسنگ چهل و پنج مثقال زفت رومی
پانزده مثقال علک البطم چهار مثقال روغن زیتون نود مثقال موم بیست مثقال
اجزا را باهم گداز نند و مرداسنگ را نرم صلایه کرده باهم مخلوط نمایند
یا مرهم خل که صفت ان اینست خصوصا بعد از انکه چند روز مرهم سیاه را
استعمال کنند مرداسنگ ده مثقال نرم صلایه کرده با موم ده مثقال
روغن زیتون بیست مثقال سرکه سه مثقال مرهم سازند و بعد از
استعمال این مرهم مرهم سفیداب که صفت ان در سوختگی اتش مذکور است
خصوصا هرگاه قدری مرداسنگ اضافه نمایند استعمال کنند فی الجمله
هریک از این مرهمها که مذکور شد نافع و مصلح جراحات است لهذا
اگر باین ترتیب که مذکور شد استعمال نمایند اولی است صفت مرهمی دیگر

که در این

که در این جراحات و همه جراحات نافع است و گوشت میرویاند و زخم را
بزودی باصلاح می اورد و معروف و مشهور است باشیانی سفیداب
قلعی و موم از هر یک سه مثقال دم الاخوین انزروت صبر مکی کندر از هر یک
دو مثقال روغن گل سرخ و اگر نباشد روغن بادام یا روغن کنجد ده مثقال
مرهم نموده استعمال کنند و بدانکه محلی که سرما برده هر سال در سردی هوا
ورم میکند و وجع بهم میرساند مغز سر کلاغ زنگی بر ان عضو سرما برده
مکرر طلا نمایند در وقتی که ورم و وجع عود نموده باشد دفع میشود و دیگر

تدبیر سفر دریا

عود نمیکند اما تدبیر سفر دریا باید که مسافر دریا قبل از سوار شدن بکشتی
چند روزی غذا کم میل نماید و در روز اول سواری کشتی باب دریا نظر
نکند و ربّ به یا سیب یا انار یا ریباس با خود داشته باشد که مداومت
بخوردن اینها یا اشهای ترش مثل اش سماق و ناردان میل میکرده باشد
و اگر هیجان قی شود مانع نشده گذارد که معده از اخلاط ردیه پاک شود

تدبیر دفع تولد شپش

و بعد از ان از این ربوب و اشهای مزبوره میل نمایند و طریق اتخاذ این
ربوب در هیضه مذکور میشود ان شاء الله اما تدبیر دفع تولد شپش جامه
که در زیر همه جامها میپوشند اگر کتان باشد منع تولد شپش میکند و اگر

چهره را باب دهن و حنا بکشند و برد لیمانی بمالند و بر کردن او بزند شپش را

میکشد و دیکر تولد نمیشود و اکر جامها را بدود کندش یا ترمس بدا دند

و بپوشند یا انکه برک خربزه را کوبیده با یک دوغنی مثل روغن بادام

مخلوط کنند و بر بدن بمالند منع تولد شپش میکند و مجربست اما تدبیر

دیکر مالیدن اب نمک در حمام بر بدن مانع تولد شپش میکند و مجربست

اما تدبیر انکه بشره از سرما و باد و افتاب سیاه نشود انست که در روغن کتیرا

و نشاسته و صمغ عربی و لعاب بهدانه و بزر قطونا مجموع یا بعضی از

انها را با سفیده تخم مرغ بصورت بمالند و بعد از نزود امدن بمنزل بشو

اما تدبیر دفع سیاهی ان هرکاه حادث شده باشد انست که بیه مرغ را با موم

بکدازند و با اردنخود بصورت مالند و با اب کرم بشویند اما تدبیر ریش

شدن بدن از سواری و موزه انست که همین که اثر ریش شدن ظاهر شد علامتش

حرارت و سوزش و سرخی انعضو است اول باید که کتانی را باب بسیار سرد یا

کلاب سرد کرده ترکنند و بر عضو مکرر بکذارند تا انکه سوزش و حدت فرو

نشیند پس مرداسنک را با کلاب و اکر نباشد با اب بسایند و بمالند

اما نفاخات که از موزه و کفش و پا افزار رسد که انرا بفارسی تاول کویند

بهیدکرا

تدبیر آنکه بشره از آفتاب و باد و سرما سیاه نشود

تدبیر دفع سیاهی از بشره

تدبیر ریش شدن بدن از سواری

معالجه نفاخات که از موزه و کفش و پا افزار رسد

7

بابد که انرا با خاری بزرک ابند بعد از ان مازو را باب سرد بسایند و بمالند

یا کلنار را نرم کوبیده بر او بپاشند اما تدبیر دفع ترکیدن دستها و پاها که

بعلت اختلاف هواها و ابها و کرد و غبار از برای مسافر اتفاق می افتد باید که

اول از چرک خوب پاک کنند و ساعتی در اب کرم بکذارند و بعد از ان کتیرا را

مثل غبار ساییده بران بپاشند و از کرد و چرک شدن محافظت نمایند

و اکر از این تدبیر به نشود پیه بز را بکدازند و مازو را مثل غبار ساییده

بران مخلوط نمایند و کرم کرده میان ترکیدها را از ان پر کنند و هرکاه

مزمن شده باشد سندروس را نرم ساییده با روغن بزرک بجوشانند

تا اینکه غلیظ شود و کرم کرم در میان ترکیدها بچکانند اما تدبیر افتادن

از مرکب یا بلندی و صدمه بعضوی رسیدن مثل لکد چهارپا یا صدمه

سنک و چوب و امثال انها بدانکه اکر یکی از افات بعضوی شریفی مثل

تهیکاه و سر و سینه رسیده باشد یا انکه هر عضوی که رسیده باشد

بشدت باشد فصد باید کرد که مواد بدن میل بعضو ماوف نکند و

مفسده عظیم نشود پس انموضع را بند و بپر ضماد نمایند مانند مغشر

کل ارمنی اقاقیا صبر سقوطری با اب برک مورد و اکر موضع [illegible] مجروح

تدبیر دفع ترکیدن دستها و پاها

تدبیر افتادن از مرکب

کرده باشد عدس مقشر گل سرخ گل ارمنی شیاف مامیثا صندل سرخ فوفل
با گلاب ضماد نمایند و اگر این ادویه یافت نشود بهر حال برگ مورد را
با زردهٔ تخم مرغ ضماد نمایند یا پیه حلیمون را با زردهٔ تخم مرغ یا زیره سبز
و صبر سقوطری و مرمکی با زردهٔ تخم مرغ یا یکی از این دواها را با زردهٔ
تخم مرغ و اگر هیچ یک نباشد زردهٔ تخم مرغ و ماش مقشر و اگر یکی از این
دو بتنهائی یافت شود هم خوبست و اگر یافت شود قدری مومیائی
معدنی فرو برند و بر عضو ماوف بهر طلا نمایند و غذااش برنج یا آش
عدس و پهنی ماش و آش بادام میل نمایند و اگر تب بهم رسیده باشد
از حیوانی احتراز نمایند و بهر حال از نوشیدن ماست و دوغ و آب سرد
پرهیز کنند و عضو را از هوای سرد محافظت نمایند و خاکستر گرم را در
کیسه کرده بر عضو ماوف بندند و حسب المقدور ترک حرکت کنند تا
تمام باصلاح آید و اگر بعد از این تدابیر وجع باقی باشد نفت رومی را
گرم کنند و بر کرباسی بکشند و بر آن بچسبانند که تمام باصلاح می آید
ان شاء الله اما تدبیر جراحات که از آلات جارحه مثل کارد و شمشیر و
امثال آنها بر بدن واقع شود این مرهم مجرب است و از اسرار است و

تدبیر جراحات که از آلات جارحه بهم رسد

جراحت را

جراحت را ملتئم میکند و حاجت بهیچ دوائی ندارد روغن چراغ پیه
زردهٔ تخم مرغ عدد مرداسنگ پنج مثقال دم الاخوین سه مثقال دو جزو را
نرم کوبیده با روغن و زردهٔ تخم مرغ ممزوج کرده استعمال نمایند و
دوای دیگر که سهل المأخذ و از اسرار است و در کتب طبیه مذکور نیست
برگ درخت سنجد را بر جراحات ضماد نمایند جراحت را بحرانی می آورد
و پاک میکند و ملتئم میسازد و هیچ تدبیر دیگر محتاج نیست و مکرر
بتجربه رسیده است و اگر برگ تازه نباشد خشک شده از آن بکار برد
مؤثر است اما تدبیر سوختگی عضو از آتش یا آب گرم یا روغن گرم است
که پیش از آنکه عضو آبله کند سفیدهٔ تخم بر آن مالند و لته را با یخ و
برف تر کنند و بر آن موضع وضع کنند یا آنکه مداد بمالند یا عدس را
پخته ضماد نمایند یا گل ارمنی و آب و سرکه طلا نمایند یا آنکه سفیداب
قلع و مرداسنگ با سرکه بمالند یا سفیداب قلع و گل ارمنی و سفیدهٔ
تخم مرغ بمالند و اگر آبله کرده و مجروح شده وجع و سوزش زیاد
داشته باشد اگر مانعی نباشد فصد کند و از خوردن شیرینی و
روغن اجتناب کند و مرهم سفیداج که صفت آن این است استعمال نمایند

معالجه سوختگی عضو از آتش

سفیداب قلع موم کافوری از هر یک دو مثقال روغن گل سرخ یکمثقال
واگر نباشد روغن بادام شیرین موم را در روغن بگدازند و سفیداب را
نرم کوبیده اضافه نمایند واستعمال نمایند مرهم دیگر که معروفست
بمرهم نوره و در سوختگی آتش مجربست و بهترین مرهمهاست و در این
باب اهک را بقدری که بجوشد آب بایستد خوب برهم زنند و چون ته نشین
شد و دو ساعت گذشت آن آبرا بریزند و تجدید آب کنند و باز برهم
و بعد از دو ساعت باز تجدید کنند تا هفت مرتبه پس آن اهک را خشک
کنند و با روغن گل سرخ واگر نباشد روغن بادام شیرین مخلوط نموده
استعمال نمایند واگر موم کافوری درین مرهم اضافه نمایند شاید
واگر مرداسنگ را نرم صلایه کرده با پیه بز سرشته استعمال کنند نافع
و مجربست نهایت استعمال مرداسنگ در این صورت جایز نیست زیرا
که اثر سیاهی از آن در جلد میماند و بسیار باشد که زایل نشود واما
تدبیر خستگی در سفر هرگاه مسافر از حرکت بسیار خصوصا پیاده از
رفتن خسته شود و دیگر قادر بر حرکت نباشد ناخنهای پا را بروغن
که بهم رسد چرب کردن رفع آن میکند و در هوای گرم پاها را تا زانو در آب

تدبیر خستگی در سفر

سرد گذاشتن و شستن و در هوای سرد در آب گرم رفتن نافع است و دافع
خستگی است بحدی که بعد از آن هر قدری که خواسته باشد حرکت میتوان
کرد و تدبیر ماندگی مرکوب هرچند خارج از موضوع این رساله است نهایت
چون مسافر را بسیار ضرور میشود ذکرش لازم است بدانکه اسب و استر
هرگاه از حرکت وامانده باشد و دیگر قدرت بر رفتار نداشته باشد
قدری افیون که اقلش یکمثقال و اکثرش سه مثقال باشد باید که بحلقش کرده
که توانائی و رفتار بهم رساند و مسافت بسیاری طی میکند و این تدبیر
از اسرار مکتومه است و دانستن مسافران را لابد مفید است مطلب دویم
در معالجه صنفی چند از بعضی امراض که بدون مراجعت بطبیب توان معالجه
نمود صداع هرگاه از اسباب سخنه خارجه از بدن اتفاق افتاده باشد
مثل نشستن یا راه رفتن در آفتاب یا نزدیک آتش بسیار مقام کردن یا دوا
یا غذای گرم بالقوه یا بالفعل خوردن یا در حمام بسیار ماندن و بالجمله
آنچه از خارج سبب حرارت زاید بر حرارت بدن شود و باعتبار استعداد
دماغ و اعضای سر سبب صداع گردد و علامتش وجود یکی از اسباب مذکوره
با تقدم یکی از اینها و حرارت ملمس سر و خشکی اندرون بینی و تشنگی و صداع

در باب صداع

کردن کوش وتخفیف یافتن صداع از استعمال مبردات بالفعل یا بالقوه وعلم
سنکینی در سر واعتدال در سایر حالات بدن علاج آن بوئیدن صندل
وکلاب وکل بنفشه وکل نیلوفر وکافور واستنشاق بکلاب وبوئیدن سرکه
وکلاب ومالیدن روغن کل سرخ با سرکه بر سر وروغن تخم کدو وروغن
بنفشه بادام وروغن تخم کاهو وروغن تخم کاهو وروغن تخم خشخاش ومالیدن
تخم کاسنی کوبیده با کلاب ولخلخه از کلاب وسرکه وصندلین واب کشنیز
واب خیار وکافور وتراشه کدو وخیار ومالیدن هسته هلیله زرد
با اب یا کلاب ومالیدن قرص مثلث با اب کشنیز ومالیدن پاها ونشوق
کردن با اب کرم واشامیدن اب اناردین ودیباس واب غوره واب
الوچه وبزر قطونا با عرق بید یا عرق کاسنی یا عرق نیلوفر یا الوی بخارا
وزردالوی خشک را خیسانیده صاف نموده با شیرخشت یا بی شیرخشت یا
دوغ سرد کرده هر یک از این ادویه واشربه مذکوره که یافت شود وغذا
انار وکلابی وهندوانه ومغز خیار والوچه وکیلاس والوی زرد وازبقول
کاهو واسفناج وخرفه وازحبوب ماش وعدس واز قلیها قلیه زردشک
وتمر هندی وانار دانه والو وسماق ولیمو ونارنج وترنج ودیباس وقیاق وطعام

صفت روغن گل سرخ

صفت روغنهای دیگر

صفت قرص مثلث

دوغ وقلیه کدو با چلاو وبهتر ماش وچلاو ودر هر مکان هر یک از اغذیه
مذکوره که یافت شود وطریق ساختن روغن کل سرخ آنست که روغن
کنجد را بر ورق کل سرخ تازه بسیار ریخته تا چهل روز در افتاب کذارند
وطریق کرفتن روغن تخم کدو وخشخاش وبادام وامثال آن آنست
که هر یک از انها را بکوبند واندک اب کرم بر ان پاشیده بفشارند تا روغن
بیرون اید وروغن بنفشه بادام آنست که مغز بادام مقشر با کل بنفشه
تازه در میان کیسه کرده مکرر بمالند وبعد از ان بطریق مذکور روغن
بگیرند وصفت قرص مثلث اینست زعفران افیون تر مکی بزر البنج
پوست بیخ لفاح اجزا مساوی کوبیده با اب کاهو معجون کرده
قرصهای مثلث بسازند که با قرصهای دیگر مشتبه نشود وشناختنش
اسان باشد واگر سبب صداع برودتی باشد که از خارج رسیده باشد
مثل هوای سرد یا اغتسال در اب سردی یا خوردن دوا یا غذای سرد
وعلامت آن تقدم یکی از اسباب مذکوره است وکندی حواس
ومیل وجع بر پیش سر وسکون درد از استعمال مسخنات ولبسا باشد
که با این صداع نزله باشد یا انکه بعد از ان نزله هم رسد وعلاج

انست که سبوس گندم را با سیاه تخمه یا نمک یا گل سرخ یا خاکشیر داغ کرم
کند و در کیسه کرده بر سر بندند و با بوییدن مرزنجوش و اکلیل الملک و گل
سرخ و اسطوخودوس بعضی از انها یا مجموع جوشانیده سر را بر بخار آن
بدارند و بوییدن مشک و عنبر نافع است و غذا کم میل نمایند و از هوای
سرد و اب سرد و ماست و ترشیها احتراز نمایند و قیمه شوربائی و دارچینی
وهل و زیره میل نمایند و اگر سبب صداع غلبه خون باشد و علامت
ان سرخی چشمها و رخسار و زبان است و سنگینی سر و جستن رگهای
جهنده سر و میل بخواب و پری رگهای بدن و سرخی و غلظت بول
و امدن خون از پایهای دندان یا بواسیر و خاریدن جایگاه فصد
و حجامت و شیرینی طعم دهان و جلوه کردن چیزهای سرخ در پیش
چشم بی انکه در خارج وجودی داشته باشد و در خواب چیزهای
سرخ دیدن علاج فصد قیفال است یا حجامت بین الکتفین و از
دواها و غذاهائی که در نوع اول صداع مذکور شد خصوصا
انچه ترش باشد میل نمایند و بعد از فصد این ملین را میل کند
عناب سپستان از هریک ده دانه الوی بخارائی بیست دانه

تمر هندی

تمر هندی ده مثقال شیرخشت و ترنجبین از هریک ده مثقال پوست
هلیله زرد سه مثقال و اگر محتاج بتکرار ملین باشد بیک روز فاصله
باز همین ملین را میل کند و اگر سبب صداع غلبه صفرا باشد و
علامتش مجموع این علامات که در نوع اول صداع مذکور شد
سوای اعتدال در سایر حالات بدن یا زردی چشمها و صورت و
تلخی دهان و التهاب و خشونت زبان و بیخوابی و بی اشتهائی
و زردی و رقت بول و تخیل زردیها و شعلها و در خواب دیدن
شعلها و زردیها و اتش علاج مجموع انچه در نوع اول صداع مذکور
شد و این ملین را خوردن عناب سپستان از هریک ده دانه تخم کاسنی و
شاهتره و تخم کاسنی از هریک دو مثقال تخم کشنیز یکمثقال ترنجبین و
شیرخشت از هریک ده مثقال بعوض ترنجبین و شیرخشت شربت بنفشه یا
نیلوفر از هریک چهار مثقال میتواند داخل نمود طریق ساختن شربت نیلوفر
و شربت بنفشه انست که گل هریک از انها را جوشانیده و صاف نموده با سه
وزن ان شکر صاف نموده بقوام اورند و در روز بعد این مسهل را
میل فرمایند گل بنفشه گل نیلوفر شاهتره تخم کاسنی خبازی عنب الثعلب

صنعت شربت نیلوفر و بنفشه